

## «داد می خواهیم»

گزارش از مراسم یادبود دوتن از قربانیان قتل‌های زنجیره ای

بی‌تا محمدی

۱۹ سال از آن روزهایی می‌گذرد که قتل‌های حکومتی حالت متراکمی یافته و شکل زنجیره‌ای خود را آشکار کردند. در این مدت هر ساله نبرد داد و بیداد پر جلوه است. جلوی مراسم یادبود قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای را می‌گیرند. خودشان را کشته‌اند یادشان را هم می‌خواهند بکشند.

آنچه در زیر می‌خوانید گزارشی است از مراسم یادبود محمدجعفر پوینده و محمد مختاری. آنان دو تن از مجموعه پرشمار کسانی هستند که در جریان سلسله عملیات سازمان یافته توسط حکومت به شکل فجیعی کشته شدند. هر ساله کانون نویسندگان ایران یاد این دو چهره نمادین را گرامی می‌دارد.



به یاد آر! - محمد جعفر پوینده، محمد مختاری

چند و چون قتل‌های زنجیره‌ای هنوز به صورت کامل رازگشایی نشده است. از چاقو، طناب، اسلحه و اسید تا دستکاری ماشین و انفجار گاز، همه جور روشی برای کشتن به کار برده شده است. تعداد دقیق قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای در ایران مشخص نیست و اعداد مختلفی از ۴۰ تا ۱۷۳ نفر در فهرستهای متفاوتی که در این زمینه توسط روزنامه‌نگاران و محققان در اینترنت منتشر شده است موجود است. بعضی از قربانیان کسی را برای پیگیری ماجرا ندارند و اغلب بازماندگان جرات پیگیری چنین پرونده‌ای را ندارند. با این حال هر ساله برای چهار تن از قربانیان شناخته شده این جنایت مراسم بزرگداشتی برگزار می‌شود. مراسم بزرگداشت پروانه و داریوش فروهر که هر دو توسط نیروهای وزارت اطلاعات ایران کارآجین و سلاخی شده‌اند به همت دختر آنها در همان خانه‌ای که قتلگاه آنان بوده است برگزار می‌شود. این مراسم هر ساله با حضور پر رنگ نیروهای لباس شخصی، نیروهای پلیس و نیروهای امنیتی همراه است و به اتهام ای نیز برای پرستو فروهر در [دادگاه انقلاب](#) به اشکال مختلف برهم زده می‌شود. در سال جاری [پرونده](#) برگزاری این مراسم تشکیل شده است با این حال پرستو فروهر با پافشاری بسیار برای یادمان قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای مراسم سکوت برگزار کرد.

مراسمی در محاصره انبوهی از گزمگان

مراسم دیگر مربوط به محمدجعفر پوینده و محمد مختاری دو تن از نویسندگان سرشناس عضو کانون نویسندگان ایران است که به دعوت کانون نویسندگان ایران در محل دفن این قربانیان در گورستان موسوم به امامزاده طاهر کرج برگزار می‌شود. چند سالی است که نیروهای امنیتی با همراهی نیروهای پلیس ساعتی قبل از شروع مراسم درها و ورودهای این گورستان را می‌بندند و با حساسیت متعصبانه‌ای از برگزاری این مراسم جلوگیری می‌کنند. سال گذشته در یکی از خشن‌ترین برخوردهای نیروهای امنیتی و پلیس، تعدادی از افراد حاضر - از جمله بعضی چهره‌های شاخص هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران - دستگیر شده و افرادی مانند مزدک زرافشان و ناصر زرافشان مورد **ضرب و شتم** شدید قرار گرفتند.

امسال نیز به دعوت کانون نویسندگان ایران فراخوانی برای شرکت در مراسم یادبود پوینده و مختاری در گورستان امامزاده طاهر شهر کرج منتشر شد. در این فراخوان از علاقه‌مندان خواسته شده بود که در ساعت سه عصر روز هفدهم آذر، در مراسمی با عنوان «سکوت نمی‌کنیم؛ داد می‌خواهیم» شرکت کنند. نیروهای امنیتی، پلیس و لباس شخصی‌ها در همان لحظه اول مراسم نه نفر از هیئت دبیران و اعضای کانون نویسندگان که در محل حضور داشتند را بازداشت کردند. از ورود افراد به داخل گورستان جلوگیری کردند و بر خلاف سالهای گذشته حتی تجمع محدود افراد در کنار ورودی گورستان را نیز تاب نیاوردند. این مراسم گرچه نسبت به سال گذشته با خشونت کمتری همراه بود و کسی مورد ضرب و شتم قرار نگرفت اما تعداد نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی در ورودیها و اطراف گورستان از سال گذشته نیز پر رنگ تر بود. یکی از حاضران با طعنه می‌گوید: «به سلامتی امسال تعداد آنها از ما بیشتر شده است.»

مراسم امروز کانون نویسندگان ایران برای بزرگداشت پوینده و مختاری با اتفاقاتی به نسبت جدید نیز همراه بود. نیروهای پلیس با جلیقه ضد گلوله و باتوم حضور داشتند. نیروهای لباس شخصی نیز با چهره تیپیک خود که معمولاً افرادی با شکم‌های فرجه و صورت پوشیده از ریشهای نامرتب هستند در محل حضور پر تعداد داشتند و در تمام لحظات با دوربین و موبایل مشغول فیلمبرداری از چهره افراد حاضر بودند. نکته جدید حضور جوانانی بین ۲۵ تا ۳۰ سال با شلوار جین و صورتهای اصلاح شده در میان نیروهای لباس شخصی بود. یکی از آنان موهای سر خود را کاملاً مطابق مد روز مرتب کرده بود. گرچه حضور چنین افرادی به عنوان مخبر و برای شناسایی افراد در بین جمعیت قبلاً نیز مشاهده شده است اما در این مراسم آنها بسیار فعال بودند. یکی از آنها با فریاد از خانمی که در حال کار با گوشی تلفن همراه خود بود خواست تا گوشی تلفن خود را به او بدهد. این خانم به دلیل برخورد بد این لباس شخصی و احتمالاً از روی ترس شروع به دویدن کرد. بلافاصله حداقل پنج نفر دیگر با همان شکل ظاهری و مشخصات توصیف شده به حضور جمعیت و جمع شدن افرادی که به قصد شرکت در دنبال آن خانم دویده و او را با برخورد بسیار بدی گرفتند حاضرین به مراسم بزرگداشت پوینده و مختاری به محل آمده بودند مانع از بازداشت آن خانم و توقیف گوشی وی شد دور این خانم حلقه زده و موفق شدند او را نجات بدهند.

بعضی از تجمع‌کنندگان از این جوانان جین‌پوش با صورت اصلاح‌شده سوال کردند که به چه اجازه‌ای می‌خواهند گوشی مردم را توقیف کنند. آنها در مقابل این سوالات به تهدید متوسل شدند اما بعضی معترضان پیگیرانه از آنها می‌خواستند که اگر پلیس هستند مدارک شناسایی خود را نشان بدهند و اعلام کنند که مسئولیت آنها چیست؟ سوالی که در نهایت بدون پاسخ باقی ماند.

نکته بعدی این بود که از سوی یک خانم و یک آقای جوان که خود را عضو کانون نویسندگان ایران معرفی می‌کردند از جمعیتی که قصدی برای متفرق شدن نداشتند خواسته شد محل را ترک کنند تا بازداشت‌شدگان آزاد شوند. جمعیت این خواسته را رد کرده و بعضی از حاضرین اعلام کردند که به دعوت هیئت دبیران کانون و برای شرکت در مراسم آمده‌اند و فقط به درخواست خود آنها محل را ترک می‌کنند. معنای صحبت آنها این بود که تا وقتی بازداشت‌شدگان آزاد نشوند محل را ترک نمی‌کنند.

از دیگر اتفاقات چشمگیر این مراسم که در واقع از برگزاری آن ممانعت به عمل آمد این بود که به صورت مشهود و غیر قابل انکاری فعالیت دختران و خانمهای حاضر بیش از پسران و مردانی بود که برای شرکت در مراسم آمده بودند آنها چندین بار با نیروهای امنیتی و پلیس مشغول جر و بحث شدید شدند و حداقل دو مرتبه تلاش کردن که جمعیت رانده شده توسط ماموران را تشویق کنند که دوباره به سمت درب اصلی گورستان حرکت کنند. در دومین تلاش آنها حاضران به دنبال آنان حرکت کردند. کمی بعد از حرکت جمعیت، نیروهای امنیتی اقدام به آزاد کردن افراد بازداشت شده کردند. یک نیروی لباس شخصی همراه با آزاد شدگان به نزد جمعیت آمد و از آقای رضا خندان، عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران، درخواست کرد که از جمعیت بخواهد محل را ترک کنند. آقای خندان ضمن تشکر از افراد حاضر فقط به اعلام این نکته بسنده کردند که «سال آینده مجدداً در این محل همدیگر را خواهیم دید.»



عکس از فیس‌بوک پرستو فروهر. در شرح عکس آمده: در سالگرد قتل مختاری و پوینده مأموران گلها را جمع کردند و درها را به روی مردم بستند ... یادشان گرامی و ماندگار. با امید به دادخواهی

## «روزگار بالا و پایین دارد»

از دیگر نکات مهم این مراسم شنیده شدن ابراز تاسف‌هایی زمزمه‌وار از میان صحبت‌های خصوصی جمع‌کنندگان بود. از سه سال پیش و بعد از برخورد خشن نیروهای امنیتی و پلیس برای برهم زدن مراسم بزرگداشت احمد شاملو، جمعیتی که برای بزرگداشت قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای تلاش می‌کنند بر سر مزار دو نویسنده به قتل رسیده شرکت کنند فرد «هر ساله کمتر می‌شود. یکی نویسنده شناخته شده می‌گوید که این اتفاق عادی است و «روزگار بالا و پایین دارد جوانی با لحنی آمیخته به تاسف و طنز می‌گوید ترجیح می‌دهد فکر کند که تعطیلات و سردی هوا دلیل کاهش افرادی است که دعوت کانون نویسندگان ایران برای بزرگداشت پوینده و مختاری را اجابت می‌کنند. عده دیگری اما خوش‌بینی کمتری دارند و می‌گویند فشارهای حکومت بر کانون نویسندگان ایران بسیار هدفمندتر از آن است که حالت گذرا داشته باشد.

یک خانم دانشجو می‌گوید که تشکل‌های دانشجویی ایجاد شده در دانشگاه بعد از روی کار آمدن حسن روحانی، «فقط نگران این هستند که به دولت فشار نیاید» و میلی برای توجه به «مسئله‌ای ملی» مانند قتل‌های زنجیره‌ای ندارند. یک دانشجوی دیگر می‌گوید از دبیر یکی از تشکل‌های دانشجویی در دانشگاه تهران خواسته است تا دانشجویان را تشویق به حضور در مراسم قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای کند اما با این عبارت مواجه شده است که «راستش اسم قتل‌های زنجیره‌ای را شنیده‌ام اما چیز زیادی درباره آن نمی‌دانم.» به گفته این دانشجوی حاضر در مراسم، دبیر این تشکل «دانشجویی دولتی حاضر نشده است» حتی یک دیالوگ پنج دقیقه‌ای درباره این موضوع انجام بدهد.

## «اگر این مراسم‌ها نباشد، دوباره این کارها را انجام می‌دهند»

یک خانم و آقای مسن که در سرمای هوای گورستان سر و صورت خود را با شال پوشانده‌اند و مشخص است از درد یا کسالتی اینچنینی رنج می‌برند تا آخرین لحظه در مراسم حضور دارند. آنها عقیده خود را درباره شرکت کنندگان در مراسم اینگونه اعلام می‌کنند: «آن خانمی که موی سفید دارند و آنجا ایستاده‌اند خانم پرستو فروهر هستند. پدر و مادر او را در قتل‌های زنجیره‌ای کشتند. راستش من نمی‌دانم خود ایشان چه عقاید سیاسی و فکری دارند اما پدر ایشان که مرحوم شده‌اند افکار راست داشتند؛ با این حال او برای مراسم کسانی که عقیده چپ داشته‌اند می‌آید چون آگاه است و می‌داند در مقابل این نظام ما منافع مشترک داریم و باید با هم متحد باشیم. این خانم با اینکه اذیت‌اش می‌کنند و با اینکه دست تنه‌است

هر سال می‌آید ایران و سعی می‌کند برای پدر و مادرش مراسم برگزار کند. امسال با اینکه در همان مراسم ما شنیدیم «بعضی‌ها به او گفتند به خاطر پرونده‌اش احتیاط کند و در مراسم پوینده و مختاری نیاید ولی ببینید آمده است.

همراه این خانم صحبت را پی می‌گیرد و می‌گوید: «ما این مراسم را می‌آییم که خون قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای پایمال نشود. آقای علی اشرف درویشیان بیمار بود اما با ویلچر می‌آمد در مراسم. کسانی که ادعا می‌کنند نویسنده هستند و می‌گویند هم دوره پوینده و مختاری بوده‌اند کجا هستند؟ کسانی که همفکر پوینده و مختاری بوده‌اند کجا هستند؟ اگر موبایلم را در بیاورم از من می‌گیرند وگرنه نشانتان می‌دادم روی فیس‌بوک، اینستاگرام و تلگرام یک عالمه آدمی که من می‌شناسم مطلب گذاشته‌اند که امروز مراسم است ولی هیچ کدام نیامده‌اند. همه‌شان می‌گویند ما فعال سیاسی، روزنامه‌نگار و فعالان مدنی هستیم و کتاب می‌خوانیم و این چیزها، اما نیامده‌اند. همینها هستیم دیگر. صد نفر اینجا هستند و چند نفری هم وقتی دیدند اجازه نمی‌دهند مراسم تشکیل شود پراکنده شدند. کاش کسانی که ادعای آزادی‌خواهی دارند و همیشه با عکسهای زندانیان سیاسی اعدام شده در اینترنت فخر فروشی می‌کنند در مراسم شرکت می‌کردند. کاش مثل پرستو فروهر اهمیت می‌دادند. قتل‌های زنجیره‌ای اتفاق ساده‌ای نیست که اینقدر راحت فراموش شود. نصف جمعیت مثل ما پیرمرد و پیرزن هستند. چند سال دیگر زنده‌ایم؟ یعنی اینقدر راحت می‌خواهید بگذارید حکومت موفق شود و برای همیشه قتل‌های زنجیره‌ای فراموش شود؟ فکر می‌کنید تمام شده است؟ خیلی راحت فتوا می‌گرفتند که این نویسنده یا آن فعال سیاسی کافر است و ضد دین است و بعد آنها را می‌کشتند. از کجا می‌دانید دوباره شروع نمی‌کنند؟ اگر این مراسم نباشد و قربانیان اعدام‌های دهه شصت، قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای، کوی دانشگاه و کشته‌های ۸۸ فراموش شوند خیالشان «راحت می‌شود که مردم فراموش می‌کنند و دوباره این کارها را انجام می‌دهند.

۱۷ آذر ۱۳۹۶

برگرفته از: رادیو زمانه